

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران

ادبیات تطبیقی در ایران: چالش‌ها و راهکارها

مهدی شاملو^۱

کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

چکیده

در عصر حاضر لزوم گفتگوی بین ملل مختلف بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشورها یکی از نهادهایی هستند که وظیفه دارند با توجه کافی به رشته ادبیات تطبیقی و انجام درست آن زمینه تفاهم و دوستی بین ملل را فراهم آورند. هر چند این رویکرد انسان محورانه در مسیر فراز و نشیب ادبیات تطبیقی بعضاً دچار آسیب‌هایی نیز شده است، اما ذات ادبیات تطبیقی بیانگر وجود اندیشه‌های انسانی در تفکر اندیشمندان آن است. ادبیات تطبیقی دانش نسبتاً جدیدی از شاخه تاریخ ادبیات است که در ایران چندان بررسی و به آن توجه نشده است و علی‌رغم تلاش کارشناسان این رشته، در مقایسه با سایر رشته‌ها هنوز نتوانسته است از جایگاه و موقعیت مناسبی برخوردار گردد. همگی می‌دانیم که هیچ علمی بدون پشتوانه قوی نظری و برنامه‌ریزی منسجم و علمی دوام پیدا نخواهد کرد و این خود ضرورت داشتن یک پشتوانه محکم برای رشته ادبیات تطبیقی را می‌رساند. از آن جا که این رشته دارای گستردگی و تنوع موضوع می‌باشد، یک تلاش گروهی و جمعی را ایجاب می‌کند. از این رو در جهت رشد این رشته باید با یک برنامه‌ریزی دقیق، امکانات رشد و گسترش آن را در ایران فراهم کرده و با اقداماتی نظیر تربیت نیروی علمی متخصص، اختصاص بودجه کافی، انتشار مجلات و نشریات علمی زمینه را برای تعالی و توسعه این رشته مهیا کنیم.

واژگان کلیدی: تطبیقی، چالش‌ها، ادبیات، ایران.

^۱ رایانامه: sepantatoo@gmail.com

مقدمه

ادبیات تطبیقی رشته‌ای از مطالعات ادبی است که در طول دو قرن عمر خود بحران‌های فراوانی را یکی پس از دیگری پشت سر نهاده است. سابقه این رشته به قرن نوزدهم در کشور فرانسه بر می‌گردد و این در حالی است که در ایران از سابقه ای کوتاه برخوردار است. این رشته فعالیت خود را در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در دانشگاه تهران آغاز کرد و به عنوان یک رشته علمی وارد برنامه درسی دانشکده ادبیات شد. صاحب نظران این رشته همواره بر سر نام و ماهیت این رشته با هم بحث داشته‌اند، به همین خاطر یافتن یک تعریف واحد و منسجم از ادبیات تطبیقی که مورد قبول همگان باشد کار دشواری است. ریشه این اختلاف نظرها را باید در چارچوب های نظری ادبیات تطبیقی جست و جو کرد که تعریف‌هایی متفاوت، و گاه متناقض بر اساس آن‌ها شکل گرفته است.

ادبیات تطبیقی که گاهی به آن ادبیات همگانی نیز گفته می‌شود شاخه ای از تاریخ ادبیات است که به سنجش آثار، عناصر، انواع، سبکها، دوره ها، جنبش‌ها و چهره های ادبی و به طور کلی مقایسه ادبیات در مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ و زبان مختلف می‌پردازد (انوشیروانی، ۱۳۸۹). به عبارتی ادبیات تطبیقی عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف. آنچه در ادب تطبیقی مورد نظر نقاد و محقق هست، نفس اثر ادبی نیست، بلکه تحقیق در کیفیت تجلی و انعکاس است که اثر ادبی قومی در ادب قوم دیگر پیدا می‌کند. آن چه که در ادبیات تطبیقی مورد توجه و نظر اهل تحقیق است، آن تصرف و تدبیری است که هر قومی در آنچه از آثار ادبی قوم دیگر اخذ و اقتباس می‌نماید، اعمال می‌کند (نظری، ۱۳۸۹). پژوهشگر ادبیات تطبیقی بی‌وقفه، مقید به تجدید عمل و بررسی دقیق امری است که به او امکان می‌دهد که دیگری را بهتر درک کند و بیشتر به عللی بپردازد که او را به طیف ارزیابی فلان اثر، سوق می‌دهد و سرانجام این که خود را بهتر درک می‌کند (غنیمی هلال، ۱۳۷۳). ادبیات و فرهنگ ایرانیان از دیرباز به دلیل غنای فراوان نسبت به ادبیات و فرهنگ کشورهای دور و نزدیک یک سر و گردن بالاتر بوده است؛ به نحوی که در شکل گرفتن افکار بسیاری از نویسندگان بزرگ جهان نقش بسزایی داشته است؛ لذا شایسته است که این فرهنگ غنی در اختیار دیگر ملل قرار گرفته تا از غنای آن در جهت رشد و تعالی همه جانبه بشریت استفاده کرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

رشته ادبیات تطبیقی همواره در مراکز دانشگاهی معتبر دنیا به عنوان یکی از ارکان مطالعات علوم انسانی مطرح بوده و بسیاری از دانشگاه‌ها اقدام به ایجاد دوره‌های تحصیلی مستقل در این رشته نموده‌اند. ادبیات تطبیقی در نزدیک کردن ملل به یکدیگر و گسترش تعاملات بین فرهنگی نقشی اساسی دارد و موجب شناخت بیشتر و تفاهم و صلح میان ملت‌ها می‌شود. بنابراین با بررسی روابط ادبیات‌ها با یکدیگر ما با روح ملت‌ها آشنا می‌شویم، گفتگو می‌کنیم و به تفاهم و صلح می‌رسیم (زینی‌وند، ۱۳۹۱). با استفاده از ادبیات تطبیقی می‌توان از تمامی این محاسن در جهت توسعه و رشد همه جانبه کشور استفاده کرد. در حالی که ادبیات تطبیقی هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان دوران شکوفایی و بالندگی خود را سپری می‌کند؛ با وجود این در ایران با چالش‌ها و موانعی روبرو می‌باشد. تجارب گذشته نشان دهنده این واقعیت است که رشته ادبیات تطبیقی صدمات بسیاری به خود دیده است؛ لذا برای آن که بتواند روند رو به رشدی داشته باشد نیازمند آن است که توجه و عنایت بیشتری نسبت به آن صورت گیرد. نگاهی اجمالی به این سابقه حاکی از آن است که این رشته چندین دهه است که مورد غفلت نهادها و مراکز علمی و پژوهشی کشور قرار گرفته و چندان به آن توجه نشده است (نظری، ۱۳۸۹). این رشته هیچ‌گاه به صورت گروه آکادمیک مستقلی در دانشگاه‌های ایران راه اندازی نشده، هیچ انجمن علمی بدین نام در ایران شکل نگرفته و هیچ مجله تخصصی در این زمینه منتشر نشده است. به عبارت دیگر، هیچ‌گاه گروه آکادمیک مستقل، انجمن علمی و نشریه تخصصی که معرف و پشتوانه تداوم و گسترش و پیشرفت در هر رشته‌ای می‌باشد، برای ادبیات تطبیقی در ایران فراهم نیامده است (انوشیروانی، ۱۳۸۹). در نتیجه تلاش محدود پژوهشگران این رشته راه به جایی نبرده و ادبیات تطبیقی هم چنان در فضای آکادمیک ایران مغفول مانده است. هدف از این پژوهش بررسی چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران می‌باشد و بررسی این موضوع که چرا در ایران با وجود تمامی تلاش‌های انجام گرفته، ادبیات تطبیقی نتوانسته جایگاه علمی درخور توجهی در فضای دانشگاهی پیدا کند.

سؤالات پژوهش

۱. موانع پیش روی ادبیات تطبیقی در ایران کدامند؟
۲. چه راه کارهایی در جهت رشد و تقویت ادبیات تطبیقی در ایران وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده روش کیفی و از نوع موردی می باشد.

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش این رشته در ایران حاکی از آن است که مطالعاتی در این خصوص انجام گرفته است. انوشیروانی (۱۳۸۹) در پژوهشی به ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که ادبیات تطبیقی در ایران هنوز به درستی فهمیده نشده و این خود موجب کج فهمی بسیاری شده است، و این نشان دهنده چالشی بسیار مهم است. در پژوهش دیگری زینی‌وند (۱۳۹۲) به بررسی ادبیات تطبیقی: از پژوهشهای تاریخی و فرهنگی تا مطالعات میان رشته ای پرداخت. نتایج نشان داد که عدم توجه به ماهیت بین رشته ای این رشته از مشکلات اصلی ادبیات تطبیقی در ایران به شمار می‌رود. در پژوهش دیگری محسنی نیا (۱۳۸۹) به بررسی جایگاه و ضرورت‌های ادبیات تطبیقی در ایران پرداخته است. نتایج نشان داده که ایجاد رشته ادبیات تطبیقی در مقاطع بالاتر دانشگاهی در ایران ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

چالش‌ها و موانع پیش روی ادبیات تطبیقی در ایران

از پیدایش ادبیات تطبیقی در جهان در حدود ۲۰۰ سال می‌گذرد در حالی که سابقه آن در ایران به حدود ۷۸ سال پیش بر می‌گردد. از طرفی پیدایش ادبیات تطبیقی در ایران حاصل جنبشی فکری و فلسفی و یا احساس نیازی مبرم به تأسیس این دانش نبوده است؛ بلکه این نوع جدید از پژوهش ادبی به تقلید از دانشگاه‌های اروپایی به دانشگاه‌های ایران درآمده است و به دلیل نداشتن برنامه ریزی دراز مدت و روشمند و فقدان افراد متخصص تعطیل شده است (قرلباش، ۱۳۸۵). به همین خاطر این رشته هنوز نتوانسته است که جایگاه واقعی خود را در کشور پیدا کند. اغلب پژوهش‌های انجام گرفته از کیفیت لازم برخوردار نبوده‌اند و فاقد روش علمی هستند؛ که علت این امر آن است که ادبیات تطبیقی به عنوان رشته‌ای مستقل به حساب نیامده است؛ حال آن که می‌بایست در دانشگاه‌ها به عنوان رشته‌ای با ویژگی‌ها و نظریه‌های مختص خود در نظر گرفته شود تا پا به پای

سایر گروه‌های تخصصی توسعه یابد و شکوفا شود (انوشیروانی، ۱۳۸۹). در ادامه به بررسی مهمترین چالش‌ها و موانع پیش روی ادبیات تطبیقی در ایران می‌پردازیم.

نبود تسهیلات پژوهشی و مالی کافی

یکی از عوامل بسیار مهم در جهت رشد و شکوفایی ادبیات تطبیقی در ایران میزان سرمایه‌گذاری در زمینه پژوهش در این رشته است. طبیعی است که بخشی از عدم رشد این رشته را می‌توان به ناتوانی نهادهای مسئول در سرمایه‌گذاری مطلوب در این زمینه نسبت داد. به طور کلی می‌توان گفت که یکی از معضلات اصلی پژوهش در ادبیات تطبیقی در ایران، کمبود سرمایه‌گذاری در این زمینه است؛ بنابراین افزایش بودجه‌های لازم می‌تواند عقب ماندگی را در این زمینه جبران کند.

آشنا نبودن با نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی

برخلاف نظر برخی که تطبیق را هدف ادبیات تطبیقی می‌پندارند، تطبیق روشی است که در سایر شاخه‌های دانش بشری نیز متداول است. اما ادبیات تطبیقی رشته‌ای مستقل است و اصولاً بینش و فلسفه جدیدی در ادبیات به شمار می‌رود. ادبیات تطبیقی برای ادبیات، نظریه و تعریف خاصی دارد، حوزه‌های پژوهشی خود را دارد و در عین ارتباط با ادبیات ملی، از حیطه آکادمیک مستقلی در مطالعات ادبی برخوردار است (ولک و آوستن، ۱۳۷۳). برای پایه‌گذاری ادبیات تطبیقی ابتدا باید تعریف‌ها و چارچوب‌های نظری آن را با دقت تبیین کرد تا هنگام پژوهش از خط اصلی خارج نشویم و هر مطالعه به ظاهر را ادبیات تطبیقی به حساب نیاوریم. تعیین معیارهای با تمام ظرایف و پیچیدگی‌های خاص آن بدون آشنایی کامل جامع با بنیان نظریه‌های ادبیات امکان‌پذیر نیست. در واقع همین عدم آشنایی و آگاهی کامل و جامع با نظریه‌های مرتبط با ادبیات تطبیقی به این رشته آسیب رسانده است.

عدم آگاهی به روش پژوهش

عدم توجه به روش پژوهش، یکی از چالش‌ها و موانع جدی پیش روی رشته ادبیات تطبیقی در ایران به شمار می‌رود. دوری از روشمندی در پژوهش از جمله می‌تواند سبب انحراف از اصول و مبانی پژوهش، تأکید و پافشاری بر دیدگاه‌های غیر علمی و نادرست، سطحی نگری و دوری از ژرف اندیشی، قضاوت غیرعادلانه و شتاب‌زده، و پراکندگی در محتوا و ساختار پژوهش شود (سوسی،

۲۰۰۶). در پژوهش‌هایی که شیوه و روش مناسبی ندارند، سطحی‌نگری و شتاب‌زدگی مشاهده می‌شود و مخاطب نیز برای درک موضوع دچار سرگردانی و آشفتگی می‌شود. بیشتر پژوهش‌های این رشته چندان بر شیوه‌های علمی پژوهش استوار نیست و فاقد استدلال‌های لازم در زمینه چگونگی پژوهش روشمند است (ورنر و همکاران، ۱۳۸۸). انتخاب یک روش درست در مطالعات تطبیقی سبب می‌شود که پژوهش از ژرفای بیشتری برخوردار باشد و مخاطب آن برای درک موضوع از ابزار اندیشه بهره گیرد.

کاربردی نکردن نتایج پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در عرصه عمل

امروزه هر اقدامی برای روشن ساختن اهمیت پژوهش و موانعی که پیش‌روی آن قرار دارد، منوط به اجرای آن‌ها در عمل است و تقویت مطالعات تطبیقی به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در افزایش کارایی مورد توجه است. برای آن که بتوانیم راه‌حل‌های اساسی برای مشکلات موجود پیدا کنیم، نیازمندیم که یافته‌های این مطالعات را به کار گیریم. از طرفی تضمین سلامت در تصمیم‌گیری‌ها نیز مستلزم استفاده از نتایج این مطالعات است و از طرف دیگر کاربرت نتایج در گرو آگاهی مجریان امور از آخرین یافته‌ها است؛ چرا که فقر اطلاعاتی مسئولان، کارآمدترین برنامه‌ها را با شکست کامل مواجه می‌کند (اسپیواک، ۲۰۰۶).

راهکارهایی در جهت رشد و تقویت ادبیات تطبیقی در ایران

مهمترین چالش‌ها و موانعی که ادبیات تطبیقی در ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند، بیان گردید. در ادامه به بررسی راهکارهایی در جهت رشد و تقویت این رشته در ایران می‌پردازیم.

بها دادن به گسترش و ایجاد رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها

در مراکز دانشگاهی معتبر دنیا رشته ادبیات تطبیقی گروهی مستقل و دارای اعضای هیات علمی خاص خود است؛ هر چند بنا به ماهیت بین رشته‌ایی خود در ارتباط تنگاتنگ با سایر رشته‌های علوم انسانی است. هم اکنون تقریباً تمام کشورهای دنیا دارای گروه‌های آکادمیک و انجمن‌های علمی ادبیات تطبیقی هستند و این در حالی است که در دانشگاه‌های ایران کمتر گروه یا درسی با این نام برای دانشجویان ادبیات وجود ندارد (زینی‌وند، ۱۳۹۱). این در حالی است که در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا گذراندن حداقل یک درس ادبیات تطبیقی به عنوان یکی از دروس عمومی برای کلیه دانشجویان

دانشگاه و در برخی از موارد برای دانش آموزان دبیرستانی الزامی است؛ لذا در جهت ایجاد و گسترش این رشته باید تلاش و اهتمام بیشتری ورزید.

تأکید بر ماهیت بین رشته‌ای ادبیات تطبیقی

با استفاده کردن از مثالی می‌توان اهمیت این موضوع را بیان نمود. اگر ما بخواهیم به مقایسه افکار و اندیشه‌های بودا و زرتشت پردازیم، نیازمند آن هستیم که از تاریخ و فرهنگ ایران و هند و چین و همچنین از چگونگی ارتباط هنر، فلسفه و دیگر علوم در این کشورها آگاهی داشته باشیم و این خود نشانگر آن است که ادبیات تطبیقی پیوندی ناگسستنی با دانش‌ها و پیشرفت‌های بشری دارد (اسپیواک، ۲۰۰۳). علاوه بر این مطالعات تطبیقی می‌تواند افق‌های نوینی را در مطالعات بین رشته‌ای بگشاید. پیوند ادبیات با فلسفه، هنر و علوم دیگر از زمینه‌های تازه پژوهشی در این رشته به شمار می‌آیند؛ که ارتباط بین ادبیات با موسیقی را به عنوان نمونه می‌توان نام برد. بنابراین می‌بایست مطالعات بین رشته‌ای ادبیات تطبیقی را به درستی تبیین نمود و مطالعاتی که در این حوزه انجام می‌گیرد، می‌بایست مبنای نظری و روش تحقیق مشخص داشته باشند.

ترجمه مناسب

یک ترجمه خوب مناسب به رعایت نکاتی بستگی دارد که در این جا به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم. الف: مترجم نه تنها باید به زبان خود از دید ادبی وارد باشد تا بتواند مفهومی را که از متن خارجی گرفته است به طرز درستی به زبان خود بیان کند، بلکه باید از معلوماتی کافی در تحصیل زبانی که با آن ترجمه می‌کند، برخوردار باشد (اسداللهی، ۱۳۷۹). ب: واژه‌ها در زبان‌های خارجی همچون در زبان فارسی معناهای متعدد دارند و گاه برعکس، برای یک معنی واحد واژه‌های گوناگونی وجود دارد. برگزیدن واژه‌های خوش آهنگ و درست و دقیق یکی از جنبه‌های هنری کار ترجمه است که بر ارج و قدر آن به مقدار زیادی می‌افزاید. ج: درست بودن یک ترجمه بسته به آن است که در آن اصول و قاعده‌های دستور زبان رعایت شده باشد، و گر نه آن نوشته غلط و از دید ادبی بدون ارزش خواهد بود. به کار بردن واژه‌هایی که از نظر دستوری نادرست هستند نیز مشمول این شرط است. مراعات نکردن دستور زبان نیز که به درست نویسی مربوط می‌شود، در پایین آوردن ارزش یک ترجمه بسیار مؤثر است. چ: اصول نقطه‌گذاری و به کارگیری نشانه‌های نگارشی از هنگام آشنایی با ادبیات خارجی، در نوشته‌های فارسی نیز وارد شده و لازم است که مترجم در متن خود آن

ها را رعایت کند تا جمله‌های پرسشی از جمله‌های تعجبی و تحسینی تمیز داده شود و معلوم شود که جمله در کجا به پایان رسیده یا نقل قول از کیست (ایل‌میراد، ۱۳۷۹). ح: درست بودن هر نوشته بسته به آن است که در آن اصول و قاعده‌های دستور زبان رعایت شده باشد، در غیر این صورت آن نوشته از دید ادبی بدون ارزش خواهد بود. به کار بردن واژه‌هایی که از نظر دستوری نادرست هستند، نیز مشمول این شرط است. مراعات نکردن دستور زبان نیز که به درست‌نویسی مربوط می‌شود، در پایین آوردن ارزش ترجمه و هر نوشته دیگری بسیار مؤثر است.

تربیت نیروی علمی متخصص

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور به عنوان واحدهای مجری نظام آموزشی، نقش به‌سزایی در تربیت نیروی متخصص رشته‌های مورد نیاز جامعه دارند. در رابطه با ادبیات تطبیقی آن‌ها می‌توانند با تربیت افراد متخصص و زبده و آگاه به این رشته سکان رهبری و هدایت آن را به دست افرادی بسپارند که به خوبی از عهده انجام امور و کلیه مسایل مربوط به آن برآیند (انوشیروانی، ۱۳۸۹). در نتیجه می‌توان امیدوار بود که با تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز رشته ادبیات تطبیقی، زمینه مساعد برای توسعه و رشد این رشته را فراهم کرد.

انتشار نشریات علمی

با انتشار دادن نشریات تخصصی و علمی و پژوهشی در سطوح داخلی و بین‌المللی، می‌توان در اشاعه و رشد ادبیات تطبیقی کمک قابل توجهی انجام داد. نشر دانش است، نشریات علمی به این منظور منتشر می‌شوند که یافته‌های علمی نشر یابند تا بقیه محققان با استفاده از آن‌ها مطالعات جدیدی را انجام دهند. انتشار چنین نشریاتی می‌تواند بر استحکام ادبیات تطبیقی کشور بیفزاید، به این دلیل که در معرض نقد علمی سایر متخصصان داخلی و بین‌المللی قرار می‌گیرد (انوشیروانی، ۱۳۸۹). حمایت از انتشار و معرفی و توزیع نشریات ادبیات تطبیقی ارتباط مستقیم و معناداری با وضعیت این رشته در کشور داشته و معیاری برای سنجش وضعیت این رشته در کشور هستند. بنابراین با این دیدگاه این نشریات نیاز به تقویت و حمایت دارند؛ که این موضوع خود سبب می‌شود تا این رشته از رشد و بالندگی برخوردار شده و حرکتی رو به جلو داشته باشد.

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان این گونه نتیجه گرفت که هیچ رشته علمی بدون پشتوانه قوی نظری و برنامه‌ریزی منسجم و علمی دوام پیدا نخواهد کرد. در حالی که بسیاری از رشته‌های دانشگاهی در ایران از حمایت و پشتوانه خوبی برخوردار هستند؛ اما رشته ادبیات تطبیقی مورد کم‌لطفی قرار گرفته و از پشتوانه خوبی برخوردار نیست. ادبیات تطبیقی هم اکنون در بسیاری از کشورهای جهان دوران اوج خود را سپری می‌کند؛ حال آن که در کشور ما حال و روز خوشی ندارد. ضعف تسهیلات پژوهشی و مالی از جمله موارد بسیار مهمی است که این رشته را بسیار ضعیف و ناتوان کرده است. آگاهی نبودن به روش پژوهش، عدم کاربرد نتایج پژوهش‌های ادبیات تطبیقی در عرصه عمل از چالش‌های اساسی دیگر به شمار می‌رود. پژوهشی که با رنج فراوان و سختی‌های بسیار انجام می‌گیرد چرا نتایجش نباید مورد استفاده قرار بگیرد. آگاهی نداشتن به روش پژوهش و آشنا نبودن با نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی از مهمترین موانع موجود دیگر بر سر راه رشد و استحکام ادبیات تطبیقی در ایران به شمار می‌روند. با توجه به موارد ذکر شده، می‌بایست جهت از بین بردن این موانع اقداماتی، مانند گسترش و ایجاد رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها، تربیت نیروی علمی متخصص، انتشار نشریات علمی، ترجمه‌ی مناسب و تاکید بر ماهیت بین رشته‌ای ادبیات تطبیقی را مد نظر داشت و آن‌ها را عملیاتی کرد. کشورهای دیگر جهان دارای سطوح مختلف علمی و تحصیلی در زمینه ادبیات تطبیقی هستند در حالی که در ایران این رشته از نظر کمیت در جایگاه مناسبی قرار ندارد. باید توجه داشت تا زمانی که این موانع برطرف نشوند، این رشته راه به جایی نخواهد برد.

منابع

- اسداللهی، شکرآ...، (۱۳۷۹)، پژوهش زبان‌های خارجی، **مجله ادبیات تطبیقی**، ص ۳۱-۳۹
- انوشیروانی، علی رضا، (۱۳۸۹)، ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران؛ ویژه نامه ادبیات تطبیقی، **نامه فرهنگستان**، پیاپی ۱، ص ۶-۳۸.
- ایل‌میراد، ادورد، (۱۳۷۹)، **ویژه نامه ادبیات تطبیقی**، «پژوهش زبان‌های خارجی»، تهران: دانشگاه تهران.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۱)، «فقدان روش پژوهش در مطالعات تطبیقی ادبیات عربی و فارسی»؛ **مجله ادبیات تطبیقی**، ص ۹۵-۱۰۸.
- غنیمی هلال، محمد، (۱۳۷۳)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
- فریدریش، ورنر و ملون، دیوید هنری، (۱۳۸۸)، **چشم انداز ادبیات تطبیقی غرب**، ترجمه نسرين پروینی. تهران: انتشارات سخن.
- قرلباش، علی، (۱۳۸۵)، **ارزش مطالعه تطبیقی در ادبیات**، تهران: انتشارات: سروش.
- محسنی نیا، ناصر، (۱۳۸۹)، **ادبیات تطبیقی**، جایگاه و ضرورتها. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۲، ص ۸۱-۱۰۲.

نظری، هادی، (۱۳۸۹)، ادبیات تطبیقی: تعریف و زمینه های پژوهشی، **نشریه ادبیات تطبیقی**، ص، ۲۲-۲۳۷.
ولک، رنه، آوستن، وارن (۱۳۷۳). **نظریه ادبیات**. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Saussy, Haun. ed(۲۰۰۶). *Comparative Literature in an Age of Globalization*.

Baltimore: Johns Hopkins University Press.

Spivak, Gayatri Chakravorty(۲۰۰۳). *Death of a Discipline*. New York: Columbia

University Press.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



کارگاه آموزشی
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



کارگاه آموزشی
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



کارگاه آموزشی
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران